



چرا رئیس جمهور اوکراین و رهبران غرب تهدید پوتین برای حمله هسته‌ای را جدی گرفته‌اند؟

این بلوف نیست!

در نظر گرفتن این شرایط به نظر می‌رسد پوتین چه بلوف هسته‌ای زده باشد یا ندهد، در هر حال از اهرم قدرتمند هسته‌ای برای مرعوب کردن غرب بهره خواهد برد.

حامیان آرمادگون، مشوقان جنگ سوم جهانی
 در حال حاضر رهبر روسیه متقاعد شده غرب می‌خواهد آن را نابود کند و البته بارها و بارها منابع نزدیک به قدرت در غرب به این مساله اعتراف کرده‌اند. در مقابل غرب به همان اندازه متقاعد شده که روسیه می‌خواهد تبدیل به یک قدرت امپریالیستی شود که نظام لیبرالیسم را به چالش می‌کشد.

نکته اینجاست که این دوقطبی چیز جدیدی نیست و هسته حاکمیت مسکو و واشنگتن از زمان جنگ سرد تاکنون چنین ظنی نسبت به یکدیگر داشته و دارند. پس چه عاملی ممکن است وجود داشته باشد که یک طرف را آنچنان مشوش کند که اقدام به تهدید هسته‌ای کند؟

همان‌طور که در ماه‌های اخیر در «وطن امروز» اشاره کرده‌ایم، آنچه ممکن است روسیه و در نهایت جهان را به سوی یک جنگ هسته‌ای سوق دهد، یک گروه بسیار کوچک با ایدئولوژی افراطی و جنون‌آسی حاکمیت صهیونیسم بر کل جهان است؛ همان گروهی که تحت عنوان نومحافظه‌کاران اشتراوسی در حلقه

فدراسیون روسیه است که نسخه جدید آن سال ۲۰۲۰ به امضای پوتین رسید. طبق این دکترین، تهدیداتی بالقوه که مسکو می‌تواند در واکنش به آنها از سلاح هسته‌ای استفاده کند، شامل موارد زیر است: ۱- زمانی که موشک‌های بالستیک به سمت روسیه یا متحدانش شلیک شود، ۲- زمانی که دشمن در پاسخ از سلاح اتمی استفاده کند، ۳- حمله به یک محل زرادخانه یا استقرار تسلیحات اتمی روسیه، ۴- در پاسخ به حمله‌ای که موجودیت کشور روسیه را تهدید کند. بسیاری بر این باورند هیچ‌یک از این شرایط با واقعیات جنگ اوکراین منطبق نیست. بنابراین چنین تصور می‌شود که تأکیدات متوالی اشخاص اول و دوم روسیه درباره جدی بودن انگیزه‌شان برای کاربرد سلاح هسته‌ای تاکتیکی در خاک اوکراین، بخشی از راهبرد هژمونیک کلان‌تر مسکو است؛ همان راهبردی که پوتین ماه گذشته آن را اقدامی جدی برای «طراحی نظم جدید بین‌المللی» خوانده بود.

از زاویه نگاه استراتژیست‌های بین‌المللی نظام‌گرا، اتفاقا پوتین دلایلی جدی برای بلوف زدن دارد. اولاً: طبق ادعای تاریخی خود پوتین و طیف ملی‌گرای حاکم بر مسکو، اوکراین بخشی جدانشدنی از روسیه است؛ طبعاً هیچ رهبر سیاسی خواهان جنگ -با عوارض هسته‌ای- در قلمرو خود نیست، آن هم کسی

رویارویی آشکار با آمریکا یا ناتو نیست و نمی‌خواهد اوضاع وخیم‌تر شود.

جالب اینکه «الکساندر گروشکو» دیگر معاون لاوروف تقریباً همزمان در پاسخ به سوالات مطبوعاتی درباره احتمال استفاده از سلاح هسته‌ای در یک حمله پیش‌دستانه تاکتیکی علیه اوکراین، آن را بخشی از دکترین نظامی کشورش عنوان کرده بود. «ناتولی آنتونوف» سفیر روسیه در واشنگتن هم تلاش کرد چنین وانمود کند به رغم همه مشکلات میان مسکو و واشنگتن، ۲ طرف در آستانه سقوط به ورطه یک درگیری هسته‌ای نیستند. با این حال همان موقع رسانه‌های جریان اصلی آمریکا به او یادآوری کردند استفاده از سلاح هسته‌ای در صورت مورد تهدید قرار گرفتن توسط سلاح‌های کشتار جمعی، جزو دستورالعمل‌های ثابت مسکو از دوران شوروی تاکنون بوده است. سپس نوبت ولودیمیر زلنسکی، کم‌دین و رئیس جمهور اوکراین بود که یک چرخش سراسیمه طنزآلود را به نمایش بگذارد. وی که ۱۰ روز قبل گفته بود احساس می‌کند رهبر کرملین درباره استفاده از زرادخانه هسته‌ای روسیه بلوف می‌زند، این بار نظر خود را عوض کرد. وی از روزهای قبل از آغاز جنگ به یاد داشت وقتی تزار ۲ بار روی یک موضع پافشاری می‌کند، حتما غزش جزم است. زلنسکی در



شروین طاهری
 روزنامه‌نگار

اوج جنگ اوکراین به دنبال اجتناب از تشدید تنش بوده‌اند اما با ادامه بحران، این حس خویش‌ستنداری نیز شروع به از بین رفتن کرده است؛ در حالی که ژنرال لوید آستین، رئیس پنتاگون اعتراف می‌کند واشنگتن در درازمدت به دنبال تضعیف روسیه بوده، مقامات کرملین نیز به طور جدی‌تری درباره استفاده از تسلیحات هسته‌ای صحبت می‌کنند.

همان‌طور که «نبیل فهمی» تحلیلگر بخش عربی روزنامه انگلیسی «ایندیپندنت» اشاره کرده، خطرناک‌ترین پیامد بحران اوکراین این است: نظام کنونی بین‌المللی به واسطه قدرت‌های بزرگ آمریکا، روسیه و چین در حال ورود به دوره بازتشکیل است اما این دوره گذار احتمالاً طول خواهد کشید و طبیعتاً شاهد کشمکش‌های امنیتی و اقتصادی مختلفی در ابعاد وسیع روی کره خاکی خواهیم بود. در میان زنجیره‌ای از «اقدامات یکجانبه» در شرق و غرب، خطرناک‌ترین پیامد جنگ اوکراین، رواج سخن گفتن مقامات ۲ طرف مشخصه، از جنگ جهانی سوم و حمله اتمی است. در چنین وضعیتی، دستیابی کشورها به سلاح هسته‌ای به شکل‌های مختلف و تهدید به استفاده از آن، بار دیگر به احتمالی قابل توجه تبدیل شده است. حتی در اوکراین که زمانی میزبان سلاح‌های هسته‌ای شوروی بود، از احتمال ساخت سلاح‌های بیولوژیک توسط غرب یا احتمال استفاده روسیه از سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی سخن به میان آمده است و تصادفی نیست که در این بلیشو، کره‌شمالی هم مدعی توسعه توان موشکی خود باشد.

این یک بلوف نیست
 ولادیمیر پوتین از اواسط همان هفته‌ای که به فرمان او برای آغاز عملیات ویژه نیروهای روسیه در اوکراین ختم شد، صریحاً مهم‌ترین انگیزه مسکو برای جنگ در خاک همسایه غربی را «تهدید هسته‌ای» از جانب دولت دست‌نشانده کی‌یف دانسته بود. وی مشخصاً به اظهارات ۴۸ ساعت قبل از آن «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین و وزیر خارجه‌اش «دمیترو کولبا» در اجلاس امنیتی مونخ دربارہ آمادگی کی‌یف برای نقض پیمان خلع سلاح هسته‌ای اوکراین (بوداپست ۱۹۹۴) اشاره کرد. هجوم ارتش روسیه به خاک اوکراین تنها ۵ روز پس از خط و نشان هسته‌ای زلنسکی در مونیخ نیز گویای جدی گرفته شدن تهدید توسط کرملین بود. پوتین سپس در همان نخستین روزهای جنگ در یک سخنرانی تلویزیونی گفت: «به وزیر دفاع و ستاد کل نیروهای مسلح دستور می‌دهم نیروهای بازدارنده ارتش روسیه را در حالت ویژه خدمات جنگی قرار دهم». مشخص بود منظور وی از نیروهای «بازدارنده» همان تسلیحات اتمی است. ۱۰ روز پیش بود که پوتین بر آمادگی کشورش برای استفاده از «همه ابزارها» در زرادخانه خود تأکید کرد که واکنش هراسناک غربی‌ها را در پی داشت. مثلاً ناتو لفاظی خطرناک هسته‌ای مسکو را محکوم کرد. سرانجام تزار جدید روسیه، چهارشنبه هفته گذشته پس از هشدار و نذیرهای همتای سالخورده آمریکایی‌اش جو بایدن درباره رهبریز او ورود به جنگ هسته‌ای، در یک سخنرانی تلویزیونی دیگر اعلام کرد در صورت تهدید سرزمین مادری، درباره استفاده از سلاح‌های هسته‌ای بلوف نمی‌زند. او تأکید کرد وقتی هشدار می‌دهد روسیه دفاع از خاک خودش - شامل دونتسک و لوهانسک و همچنین مناطق زاپروژیا و خرسون - را با تسلیحات تخریبگر مختلف بررسی خواهد کرد، بلوف نمی‌زند. اگر چه دیپلمات‌های ارتش روس بلافاصله وارد صحنه شدند تا تیزی سخنان پوتین را بگیرند ولی واقعاً به نظر نمی‌رسد او بلوف زده باشد. مثلاً جمعه گذشته «سرگئی ریابکوف» معاون وزیر خارجه روسیه گفت: «ما کسی را با سلاح هسته‌ای تهدید نمی‌کنیم. معیارهای استفاده از آنها در دکترین نظامی روسیه مشخص شده است، روسیه به دنبال



متنفذان درون و بیرونی کاخ سفید می‌شناسیم. نقش این صهیونیست‌های افراطی در جنگ‌افروزی‌های آمریکا در گوشه و کنار دنیا از زمان جنگ اول عراق (توفان صحرا) تا امروز روشن است. این حلقه بسته که خود را شاگردان «لئو اشتراوس» فیلسوف نومحافظه‌کار یهودی آلمانی‌تبار می‌دانند، نظریه برتری قوم برگزیده یهود را در چارچوبی مدرن دنبال کرده و صریحاً درباره آرمادگون یا جنگ آخرالزمانی یهودیان و مسیحیان صهیونیست برای کنترل کامل کره زمین صحبت می‌کنند.

آنها با رهبری فکری «رابرت کیگن» همسر «ویکتوریا نولاند» دموکرات مشهور جنگ‌طلب در رسته‌های شکاری واشنگتن که امروز سمت مشاورت ارتش جو بایدن را دارد و البته رهبری ارگانی پشت پرده «بیل ولفویتز» نظریه‌پرداز جنگ‌های بدنام بوش‌های پدر و پسر در خاورمیانه، آفریقا، بالکان و آمریکای مرکزی، دولت پنهان ایالات متحده را فراتر از تقسیم‌بندی دموکرات-جمهوری‌خواه در دلان‌های ساختمان کپیتول، وزارت خارجه، مقر پنتاگون و مقر سازمان سیا در تنگلی اداره می‌کنند.

ردپای آنها در بحران فعلی اوکراین از زمان انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ و سپس انقلاب میدان یو کودتایی مسلحانه علیه دولت مستقر «ویکتور یانوکویچ» با حمایت کاخ سفید، ناتو، اتحادیه اروپایی و تشکیلات سوروس‌ی بویژه NED (بنیاد دفاع از دموکراسی) آشکار است. در جریان این کودتا در زمستان ۲۰۱۴ بود که ویکتوریا نولاند به عنوان معاون اروپایی وزیر خارجه در کنار دست راست جورج سوروس در کی‌یف در جمع نیروهای نازی حضور یافتند. متعاقب آن کودتا بود که مناطقی از اوکراین با اکثریت روس‌نشین شامل دونتسک، لوهانسک، بندر اودسا و البته شبه‌جزیره کریمه از تهدیدات نژادپرستی‌های مورد حمایت غرب می‌بنی بر تصفیه نژادی احساس خطر کرده و وارد روند خودمختاری نفوذ سیاسی و امنیتی در پوشش تجاری همان زمان «جیک سالیوان» و «آنتونی بلینکن» که در حال حاضر مشاور امنیت ملی بایدن و وزارت خارجه دولت دموکرات را در دست دارند، اقدام به ایجاد شبکه نفوذ سیاسی و امنیتی در پوشش تجاری و مالی در اوکراین کردند که هانتز، پسر بایدن نیز در آن نقش‌آفرینی می‌کرد.

با همه اینها این بدان معنا نیست که جنگ سوم جهانی نزدیک است اما اگر هیچ‌یک از رهبران سیاسی به طور اساسی سیاست خارجی خود را تغییر ندهند، ما مستقیماً به سوی ناشناخته‌ها قدم می‌زنیم و باید برای هرج‌ومرج مطلق آماده شویم.

در حد و اندازه پوتین که خود را در قامت تزار جدید کرملین و صاحب نقشی تاریخی برای روس‌ها و حتی اسلاوها می‌بیند.

ناتیا: اگر هم یک رهبر سیاسی چنین کند، حتماً از روی ترس است. در واقع این جنگی بین مسکو و واشنگتن است. در هر ۲ طرف، رهبران سیاسی درست با غلط از دیگری می‌ترسند. با همه اینها ۲ طرف اشراف کافی نسبت به رفتار یکدیگر دارند و یک ترس منطقی نمی‌تواند به یک واکنش پیشدستانه غیرمنطقی منجر شود، مگر آنکه یک طرف نسبت به وجود فاکتوری جنون‌آسا (غیرمنطقی) در طرف مقابل تردید داشته باشد.

ناتیا: طبیعی است آمریکا به دنبال حفظ رهبری نظامی و امنیتی و اقتصادی خود بر جهان است و روسیه به همراه چین رهبری انتقالی را برعهده گرفته‌اند که با ادامه سلطه نظم آمریکایی مخالفت می‌کنند. اتحاد مسکو با پکن در این راستا در کنار عضویت آنها در هر ۲ نهاد بین‌المللی به چالش کشیده شد. غربی یعنی پیمان شانگهای و اتحاد بریکس، کارشناسان را وامی‌دارد نسبت به ورود تنهای روسیه به یک جنگ بزرگ‌تر از اوکراین یا ابعاد هسته‌ای ابراز تردید کنند.

بر اساس بیانیه مشترکی که ولادیمیر پوتین و شی جین پینگ تنها ۳ هفته قبل از آغاز جنگ اوکراین صادر کردند، ۲ طرف قرار است در لحظه تنش شدید بین‌المللی، در هماهنگی کامل با یکدیگر باشند.

این بیانیه که با حضور پوتین در پکن صادر شد، از آغاز یک عصر جدید ژئوپلیتیک سخن می‌گفت که طی آن دیگر سلطه غرب به رهبری آمریکا تضمین شده نیست.

جالب اینکه تنها چند ماه بعد، آبه شینزو، نخست‌وزیر مقتول ژاپن و مهم‌ترین متحد آسیایی آمریکا، کمتر از یک ماه پیش از ترور ناپهنگامش، بر این دیدگاه صحه گذاشت. او در گفت‌وگو با هفته‌نامه اکونومیست تأثیر جنگ اوکراین را چشمگیر دانست و نقش آمریکا را به عنوان پلیس جهانی و همین‌طور نقش شورای امنیت سازمان ملل را زیر سؤال برد.

پس روسیه و چین به طور جدی به دنبال اهرم‌هایی هستند که از آمریکا و غرب در جهت جاب‌جایی کردن برای خود در نظم جدید، امتیازاتی حیاتی بگیرند. با

مصحاح با شبکه آمریکایی سی‌بی‌اس نیوز در همان حال که با لحنی مذبذب همزمان نسبت به دریافت سامانه موشکی سطوح به هوای پیشرفته «اسامس» از آمریکا فخر می‌فرخت و در عین حال آن را برای دفاع از زیرساخت‌های کشورش ناکافی می‌دانست، ناگهان اعتراضی عجیب کرد مبنی بر اینکه رئیس‌جمهور روسیه می‌تواند از تسلیحات هسته‌ای استفاده کند. وی گفت: «ببینید! شاید این حرف دیروز یک بلوف بود اما اکنون یک واقعیت است!»

برای آنکه کابوس زلنسکی، تبدیل به واقعیت شود، دومین مرد قدرتمند روسیه دیروز بر خط و نشان هسته‌ای پوتین مهر تأیید زد. دیمیتری مدودف، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر پیشین که حالا سمت قائم‌مقامی شورای امنیت روسیه به ریاست شخص پوتین را برعهده دارد، بار دیگر برای اتخاذ یک موضع جنجالی از سوی مسکو از کانال تلگرامی خود بهره برد که مدتی است به منبع الهام روس‌ها درباره وقایع آخرالزمانی تبدیل شده است. مدودف نوشت: «ما هر کاری در توان‌مان باشد انجام خواهیم داد تا از پیدایش سلاح‌های هسته‌ای در کشورهای متخاصم همسایه جلوگیری کنیم. به عنوان مثال، اوکراین نازی که این روزها مستقیماً توسط ناتو کنترل می‌شود... توجه به دلیل و اراده سیاسی [اوکراین] هیچ فایده‌ای ندارد اما هنوز امید می‌شکننده بر وجود عقل سلیم و احساس خودداری در کشورهای دشمن وجود دارد که آنها مقامات اوکراین را درگیر می‌کنند. آنها حتماً درک می‌کنند اگر تهدید روسیه از حد خطر تعیین شده فراتر رود، ما باید پاسخ دهیم. بدون درخواست اجازه از کسی، بدون مشورت چندان و این قطعاً یک بلوف نیست.»

اهرم هسته‌ای علیه نظم غربی
 در سطح کارشناسی در مقابله آن دسته از رئالیست‌هایی که هنوز هم معتقدند واژه «اوکراین» اسم رمز یک جنگ جهانی هسته‌ای است، هنوز هم استراتژیست‌هایی هستند که تردیدهای جدی درباره بلوف زدن در باب حمله هسته‌ای دارند. آنچه «گروشکو» معاون وزیر خارجه روسیه تحت عنوان جایگاه استفاده از سلاح هسته‌ای در دکترین نظامی این کشور بیان کرده، در واقع همان دکترین اتمی



ولودیمیر زلنسکی، کم‌دین و رئیس‌جمهور اوکراین ناگهان اعتراضی عجیب کرد مبنی بر اینکه رئیس‌جمهور روسیه می‌تواند از تسلیحات هسته‌ای استفاده کند. وی گفت: «ببینید! شاید این حرف دیروز یک بلوف بود اما اکنون یک واقعیت است!» برای آنکه کابوس زلنسکی، تبدیل به واقعیت شود، دیمیتری مدودف دومین مرد قدرتمند روسیه دیروز بر خط و نشان هسته‌ای پوتین مهر تأیید زد و نوشت: این قطعاً یک بلوف نیست

شی فرمان آماده‌باش جنگی صادر کرد



کشور مستقل، بلکه یک استان چین است انکار می‌کنند. البته واشنگتن تاکنون تایوان را به عنوان کشور مستقل به رسمیت نشناخته اما در عین حال دولت بایدن، تصویب قانونی را به کنگره پیشنهاد داده که در صورت اقدام پکن برای تسلط نظامی بر تایوان، آمریکا از این جزیره حمایت نظامی کند.

شی جین پینگ، رئیس‌جمهوری خلق چین بلافاصله پس از بازگشت از نشست مهم پیمان شانگهای در سمرقند ازبکستان، به طور رسمی از نیروهای مسلح کشورش خواست برای یک جنگ آماده شوند. این دستور همزمان با فرمان پوتین برای بسیج عمومی نیروها به مقصد جبهه اوکراین است. شی که به عنوان رئیس کمیسیون نظامی مرکزی چین صحبت می‌کرد، دستورالعمل مژبور را در سمنینار اصلاح دفاع ملی و نیروهای مسلح که هفته گذشته در پکن برگزار شد، صادر کرد. پیام او نیز توسط تلویزیون ملی چین پخش شد. این دستور در اوج تنش‌ها میان پکن و واشنگتن بر سر تایوان و البته همزمان با هفتادوهفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، معانی مهمی داشت. آمریکا متحدان غربی‌اش این موضوع را که تایوان بر اساس قانون اساسی چین و همین‌طور منشور ملل متحد، نه یک